

نگاهی به زندگینامه محبوب عالم سوهاوی و بررسی انتقادی مثنوی "من و سلوی"

محمد عمران فرید

پژوهشگر دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده خاورشناسی، دانشگاه پنجاب، لاهور

imranfarid32@gmail.com

پروفسور دکتر محمد ناصر

رئیس گروه فارسی، دانشکده خاورشناسی، دانشگاه پنجاب، لاهور

nasir.persian@pu.edu.pk

Abstract

Maulavi Mahboob Alam Sohawi, a distinguished scholar, accomplished jurist, and renowned poet of the 13th century Hijri, was born in 1261 AH in the region of Makkiwal, located in Mandi Bahauddin. He is considered one of the prominent intellectual and spiritual figures of the Indian subcontinent, having produced significant works in Persian, Punjabi, and Arabic, demonstrating mastery in all three languages. His poetry, especially in the mystical and romantic genres, is known for its emotional depth and spiritual intensity, placing him in the esteemed company of classical Persian poets such as Sanai GHaznavi, Attar Nishapuri, Jalaluddin Rumi, and Abdul Rahman Jami. Through his poetic expression, Sohawi eloquently conveyed profound mystical concepts such as wahdat al-wujud (unity of existence), divine love, and spiritual journey. He played a pivotal role in the dissemination of theoretical and practical Sufism in the Sohawa region, where his teachings found even greater resonance in the spiritual center of Birbal Sharif. His literary and spiritual legacy is deeply rooted in metaphysical insights, subtle mystical themes, and rich Sufi teachings. The body of his work reflects not only his command over religious sciences but also his deep immersion in inner knowledge (ma'rifah). Today, Mahboob Alam Sohawi's intellectual and poetic contributions continue to inspire admirers of Islamic mysticism and classical Persian literature.

Keywords: Mahboob Alam Sohawi, Sufism, Islamic mysticism, mystical poetry, Indian subcontinent, classical Persian

چکیده:

مولوی محبوب عالم سوهاوی، از علمای برجسته، فقهای نامدار و شاعران بلندآوازه ی سده سیزدهم هجری قمری بود که در سال ۱۲۶۱ هجری در روستای مکیوال، واقع در ناحیه مندی بها الدین، دیده به جهان گشود. وی در سه زبان از جمله فارسی، پنجابی و عربی دستی توانا داشت و در هر سه زبان آثار ارزشمندی از خود برجای گذاشت. در حوزه ی شعر عرفانی و عاشقانه، اشعار وی با شور، حال و عمق معنوی خاص خود، او را در ردیف چهره‌هایی همچون سنایی غزنوی، عطار نیشاپوری، جلال الدین محمد بلخی و عبدالرحمان جامی قرار می‌دهد. محبوب عالم سوهاوی نقش بسزایی در گسترش عرفان نظری و علمی در منطقه سوهاوه ایفا کرد و افکار او در حوزه بیربل شریف بازتاب وسیعی یافت. آثار او سرشار از مضامین بلند عرفانی، تأملات در باب وحدت وجود و مفاهیم والای عشق الهی است که نشان از آگاهی عمیق او نسبت به معارف صوفیانه و تجربه های روحانی دارد. وی با بهره گیری از ذوق شعری و دیدگاه عرفانی، توانست پیوندی میان سنت‌های فقهی، فلسفی و ادبی برقرار سازد و نقشی تأثیرگذار در جریان فکری و فرهنگی زمان خود ایفا نماید.

واژگان کلیدی: محبوب عالم سوهاوی، شعر عرفانی، ادبیات فارسی، تصوف، شبه قاره، وحدت وجود، عشق الهی

زندگی نامه مولوی محبوب عالم سوهاوی

مولوی محبوب عالم سوهاوی، از علمای بلندآوازه، فقه‌های متبحر و شاعران صاحب سبک قرن سیزدهم هجری، در سال ۱۲۶۱ هجری قمری در روستای مکیوال از توابع ناحیه مندی بهاءالدین، واقع در ایالت پنجاب پاکستان کنونی، چشم به جهان گشود.^۱

مکیوال روستایی است در فاصله پنج کیلومتری جنوب شهر سوهاوه، که در آن دوران به واسطه وجود علما و اهل معرفت، جایگاهی قابل توجه داشت. پدر وی، مولوی یار محمد، شخصیتی فاضل و مورد احترام بود که در مکیوال کرسی تدریس داشت و همزمان به حرفه طبابت نیز اشتغال می‌ورزید.^۲ او نخستین استاد محبوب عالم بود و تأثیر معنوی و فکری ژرفی بر فرزند خود بر جای نهاد.

تحصیلات و سیر علمی

محبوب عالم سوهاوی تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاهش و تحت تربیت پدر آغاز کرد. او کتب رایج در علوم مقدماتی را، از جمله دروس صرف و نحو مانند قطبی و شرح ملا جامی، با دقت و علاقه فرا گرفت.^۳

پس از گذراندن مراحل ابتدایی، برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه بیربل، یکی از مراکز برجسته علمی و معنوی آن عصر، عزیمت نمود. در این مرکز علمی معتبر، وی به تحصیل عمیق در علوم اسلامی همچون صرف، نحو، تفسیر، حدیث، اصول فقه، منطق، بلاغت و کلام پرداخت.

ذکاوت علمی و تلاش بی وقفه او موجب شد تا در مدتی نه چندان طولانی به درجات عالی علمی دست یابد. در پایان این دوره، با موفقیت کامل از سوی استادان خود به دریافت دستار فضیلت نائل آمد و به عنوان یک عالم جامع الاطراف شناخته شد.^۴

استادان برجسته

محبوب عالم سوهاوی از محضر شماری از استادان فرزانه و مشایخ بلند پایه عصر خود بهره برد. برخی از برجسته ترین استادان وی عبارت اند از:

- مولوی یار محمد سوهاوی: پدر وی و نخستین آموزگار علمی و اخلاقی وی.
- حضرت شیخ خواجه غلام نبی للبی (۱۲۳۴ هـ ق - ۱۳۰۶ هـ ق): از مشایخ مشهور و مؤثر در تربیت شاگردان در علوم ظاهری و باطنی.
- حضرت خواجه غلام محی الدین قصوری (۱۲۰۲ هـ ق - ۱۳۷۰ هـ ق): فقیه و مفسر بنام اهل قصور.
- قطب الزمان حضرت خواجه غلام مرتضی بیر بلوی (۱۲۵۱ هـ ق - ۱۳۲۱ هـ ق): استاد برجسته تصوف و مرشد کامل وی در سلوک عرفانی.^۵

تدریس، تبلیغ و گسترش دانش

پس از تکمیل تحصیلات و اخذ اجازه تدریس و ارشاد، محبوب عالم سوهاوی به زادگاه خویش بازگشت. در سال ۱۲۸۰ هجری قمری فعالیت های رسمی علمی خود را در منطقه سوهاوه آغاز کرد.^۶

او با تأسیس حلقه های درس و مجالس وعظ، به ترویج علوم دینی، فقهی و عرفانی پرداخت و توانست در اندک زمانی، حوزه ای علمی در منطقه بنیان گذاری کند که شاگردان بسیاری از مناطق مختلف برای کسب دانش نزد او می آمدند. سخنان او نه تنها از حکمت علمی، بلکه از جذبه عرفانی سرشار بود و همین امر موجب محبوبیت او در میان عوام و خواص گردید.

به ویژه تلاش‌های او در تبیین مفاهیم بلند عرفانی، از جمله وحدت وجود، عشق الهی، و سیر و سلوک معنوی، نقش مهمی در تعمیق معارف اسلامی در آن منطقه ایفا کرد.^۷

پند و اندرز

سوهاوه ناحیه ای بود که زمانی به عنوان مرکز شر و فساد شناخته می شد، اما به برکت و عظمت‌ها و اندرزهای پُراثر حضرت محبوب عالم سوهاوی، تحولی چشمگیر در آن منطقه پدید آمد. گفته اند که در نتیجه ی سخنان دلنشین و پرشور او، گروه بسیاری از مردم آن نواحی به دین اسلام گرویدند. هنگامی که خطبه می‌خواند، چشمانش اشکبار می شد و ریش مبارکش از اشک های خود تر می گشت. در یکی از خطبه‌های پرمغز و تأثیرگذار وی، شمار زیادی از هندوان، پس از شنیدن مواعظش، مسلمان شدند. وی نه تنها در وعظ و ارشاد مهارت داشت، بلکه در نوشتن فتاوی نیز فعال بود و فتاوی خود را با مُهر ویژه‌ای که داشت امضا می کرد، چنانکه در آثارش بدان اشاره شده است.^۸

فدای جلوه‌ی محبوب عالم مرید بارگاه غوث اعظم

مسافرت و مهاجرت

با وجود سفرهای بسیار در طول حیات، تنها نام دو تن از مشایخ برجسته ی عصر در منابع به وضوح آمده است که حضرت سوهاوی به طور قطع در خدمت آنان تربیت روحانی یافته است: حضرت دائم الحضور شیخ غلام محی‌الدین قصوری (۱۲۰۲ هـ ق - ۱۲۷۰ هـ ق) و حضرت خواجه غلام مرتضی بریلوی (۱۲۵۱ هـ ق - ۱۳۲۱ هـ ق). البته در برخی نوشته ها به نام مشایخ دیگری نیز اشاره شده که وی از آنان فیض برده و در خدمت شان به سلوک پرداخته است. سفر حضرت محبوب عالم سوهاوی (۱۲۶۱-۱۳۰۳ هـ ق) از مکیوال به بیربل در منابع موجود ذکر نشده، ولی قرائن نشان می‌دهد که او پس از آن با نیاکان خود از مکیوال به سوهاوه رفته و در آنجا اقامت گزیده است.^۹

بیعت و سلوک

حضرت سوهاوی از کودکی گرایش های عرفانی داشت و به اولیای الهی ارادت می ورزید. در دوران جوانی، هرگاه شوق عرفان در دلش پدید می‌آمد، به سوی بیربل شریف و قصور رهسپار می‌شد و روزها و شب های بسیاری را در خدمت اهل سلوک سپری می‌کرد. از حیث طریقت، حضرت محبوب عالم سوهاوی (۱۲۶۱-۱۳۰۳ هـ ق) به سلسله ی نقشبندیه پیوست و خرقة ی صوفیانه را از دست مبارک حضرت خواجه غلام مرتضی دریافت نمود.^{۱۰}

معاصران محبوب عالم سوهاوی:

محبوب عالم سوهاوی معاصران نامدار، که عبارتند از:

پیر سلطان سکندر (چاه خوشاب)

سید احمد حسن (سرهند)

سید محمد شاه (قصور) (۱۲۶۰ هـ ق - ۱۲۸۳ هـ ق)

قاری الله بخش (فیض پور)

قاضی عطاء محمد (نلی شریف)

محمد ابراهیم القصوری (مصنف خزینه معرفت)

مولانا شمس الدین (سیهره، گجرات)

میان محمد شفیع (لاهور)

میان علی محمد (تهته عیسی، ننکانه صاحب).^{۱۱}

فرزندان محبوب عالم سوهاوی:

محبوب عالم دو تا ازدواج کرد و از شان دو پسر و چهار تا دختر داشت از ازدواج نخست یک پسر (عطامحمد) و دو تا دختر (معصوم بیگم و مخدوم بیگم) متولد شد. و عروسی دوم در سال ۱۲۸۴ هـ ق انجام شد از آن هم یک پسر (نور عالم) و دو تا دختر (نور بیگم و شفابیگم) به دنیا آمد.^{۱۲}

آثار محبوب عالم سوهاوی:

نوشته ها و سروده های محبوب عالم سوهاوی به شرح زیر است:

فارسی

آداب الفقر، باقی نامه	نسخه خطی، منظوم
دیوان موج رحمت	نسخه خطی، منظوم، به عنوان عشق و عرفان
ذکر تولد	نسخه خطی، تولد حضرت محمد مصطفی
راحت نامه	نسخه خطی
شعله عرش	منظوم، ذکر معراج
ظل حق	نسخه خطی
فقر نامه	نسخه خطی
مکتوبات محبوبیه	مکتوبات، به زبان فارسی و عربی
من وسلوی	نسخه خطی، منظوم، مثنوی، به عنوان عشق، تربیت و آداب
نور الابصار	نسخه خطی، عرفان

عربی

تفسیر سورة الفجر	نسخه خطی
تحقیق المرام	نسخه خطی
تربیت صلوة	نسخه خطی
ستر المؤمنات	نسخه خطی
شرح ضوابط الصرف	نسخه خطی
مجموعه خطبات	نسخه خطی
نجم الهدی	نسخه خطی (عرفان)

پنجابی

پکی روتی	نسخه خطی (منظوم)
تصویر المحبوب	نسخه خطی (به عنوان قیافه حضور نبی اکرم)
تولدنامه	نسخه خطی (منظوم، تولد حضور نبی اکرم)
تنویر الایمان	نسخه خطی (به عنوان عقائد)
رقبة الاسلام	نسخه خطی (منظوم، دو قسمت)
شرح خلاصه کیلانی	نسخه خطی (منظوم، به عنوان مسائل الفقه همچون نماز، زکوة، وغیرهم)
وصال محبوب	نسخه خطی (در ستایش رسول اکرم)
هدایت نامه	نسخه خطی (منظوم) ^{۱۳}

وفات

حضرت محبوب عالم سوهای در واپسین سال های زندگی، به بیماری ای سخت دچار گشت که به مدت دو سال او را درگیر ساخت. سرانجام در ماه ربیع الاول سال ۱۳۰۳ هجری قمری، در حالی که ۴۲ سال از عمر پُربرکتش گذشته بود، در منطقه ی سوهاوله، واقع در ناحیه ی مندی بهاءالدین، دار فانی را وداع گفت. پیکر مطهرش در کنار آرامگاه پدر بزرگوارش در همان دیار به خاک سپرده شد. مزار او تا امروز زیارتگاه عوام و خواص است و مردم با عشق و ارادت برای تبرک و توسل بدان روی می‌آورند.^{۱۴}

تراوش‌های ادبی و سبک نگارش مثنوی من و سلوی

ادبیات فارسی در شبه قاره ی هند و پاکستان، به ویژه در حوزه ی مثنوی نویسی، از غنای کم نظیری برخوردار است. شاعران و نویسندگان این خطه، آثار فاخر و ارزشمندی در قالب مثنوی پدید آورده اند که از لحاظ فرهنگی، تاریخی، عرفانی و هنری، شایسته ی تحقیق و تحلیل جدی هستند تا جایگاه حقیقی آنان در تاریخ ادبیات فارسی روشن گردد.

زبان فارسی در قرون میانه، نه تنها زبان رسمی بخش های وسیعی از شبه قاره بود، بلکه زبان حامل فرهنگ، معرفت و معنویت نیز به شمار می‌رفت. این زبان شیرین و رسا، نقشی بی بدیل در ترویج داستان های تاریخی، دینی، افسانه‌ای، فلسفی، عاشقانه و عرفانی ایفا نمود. فارسی، با گسترش قلمرو ادبی خود، داستان سرایی را از محدوده‌ی محلی فراتر بُرد و آن را به فضای تمدنی وسیع تری پیوند داد، به گونه ای که موجب تعامل و نزدیکی میان فرهنگ ایران و شبه قاره شد.

در این میان، تصوف و عرفان اسلامی جایگاهی برجسته دارد. گرچه این جریان معنوی ابتدا از شهرهای بزرگ ایران همچون شیراز، اصفهان، نیشابور، زنجان، ری، بلخ، بخارا و سمرقند برخاست، اما با هجرت و گسترش تعالیم عرفا به شرق، مراکزی چون لاهور، مولتان و اجمیر به کانون های مهم عرفان اسلامی مبدل گشتند. نقش شخصیت هایی چون شیخ علی بن عثمان هجویری (متوفی حدود ۴۶۵ یا ۵۰۰ هجری قمری)، صاحب اثر سترگ کشف المحجوب، خواجه معین الدین چشتی اجمیری (م ۶۳۳ هـ.ق) و بهاءالدین زکریای مولتانی (م ۶۶۶ هـ.ق) در این انتقال و گسترش فرهنگ عرفانی، بسیار برجسته است.

بنابراین، مثنوی من و سلوی اثر حضرت محبوب عالم سوهای، نه تنها تجلی ذوق ادبی و معنوی یک شاعر و صوفی درخشان است، بلکه ادامه ی همان سنت پرمایه‌ی عرفانی و فرهنگی‌ای است که زبان فارسی را به یکی از ارکان هویت معنوی شبه‌قاره بدل کرده است.

مثنوی من و سلوی سرشار از مضامین توحیدی و مفاهیم بلند وحدت وجود است. در این اثر، عرفان اسلامی با چنان لطافت و روح‌انگیزی بیان شده است که گویی نسیم سحری یا نسیم صباست که با وزش خود جان‌ها را زنده می‌سازد و دل‌ها را در آتش عشق الهی می‌گدازد.^{۱۵} این عشقی است که چنان‌که مولانا فرموده است، وقتی بخواهی آن را وصف کنی، خود را در بیان آن ناتوان و شرم زده می‌بینی.^{۱۶}

مولوی محبوب عالم سوهای از شخصیت‌های برجسته و ممتاز روزگار خویش بود که آوازه‌ی علم، ادب، عرفان و تقوای او در همان زمان حیاتش، فراتر از مرزهای محلی گسترش یافته و در محافل اهل معرفت و سلوک به خوبی شناخته شده بود. مثنوی من و سلوی اگرچه از نظر حجم، مثنوی‌ای کوتاه و کم‌حجم است، با حدود هشت صد بیت، اما از نظر ارزش عرفانی، فکری و ادبی، جایگاهی

رفیع دارد و در شمار آثار شاخص ادب صوفیانه قرار می گیرد. شهرت این اثر، بیش از آنکه به حجمش وابسته باشد، مرهون عمق معنایی، لطافت عرفانی، فصاحت الفاظ و بلاغت معانی آن است که بی تردید آن را در شمار شاهکارهای نظم عرفانی زبان فارسی قرار می دهد.

این مثنوی در میان آثار عرفانی فارسی، یکی از برجسته ترین نمونه هایی است که با نگاهی عمیق به مفاهیم اسلامی نگاشته شده است. من و سلوی نه تنها متنی منظوم و آموزشی است، بلکه آینه ای است از روح بلند عارفانه ی مؤلف آن که اندیشه های والای عرفانی را با بیانی شیوا و ساختاری منظم عرضه داشته است. این اثر، در روزگاری پدید آمد که تصوف و عرفان اسلامی در نواحی مختلف شبه قاره، به ویژه در منطقه بیربل شریف از توابع سرگودها، شکوفا شده و به اوج رشد رسیده بود. بیربل در آن عصر، یکی از مراکز مهم و تأثیرگذار عرفان اسلامی در استان پنجاب محسوب می شد.

شهرت مثنوی من و سلوی به گونه ای است که هر پژوهشگر یا سالک راه تصوف، دست کم نام آن را شنیده یا با مضامین آن آشنایی دارد. برجستگی این اثر در مقایسه با دیگر مثنویات عرفانی، در دو نکته نهفته است: نخست، اتکای آن بر مبانی متقن علمی و دینی، و دوم، بهره مندی از زبان فصیح و معانی بلند. همین امر سبب شده تا من و سلوی را بتوان یکی از نمونه های درخشان پیوند بین دین، عرفان و ادب فارسی در بستر فرهنگی شبه قاره دانست. این مثنوی، همچون پلی است که دل و جان را از عالم صورت به عالم معنا می برد و سالک را در مسیر سلوک با نور هدایت همراه می سازد.

مثنوی من و سلوی اثری منظوم است که پس از وفات مولوی محبوب عالم سوهاولی، فرزند ارجمندش، فقیر محمد نور عالم، در سال ۱۳۱۳ هجری قمری آن را نگاشته و در سال ۱۳۱۴ هجری قمری به نگارش نهایی رسانده است. این مثنوی گران مایه، مشتمل بر حدود ۷۵۷ بیت بوده و یکی از آثار مهم ادبی و عرفانی در حوزه شعر فارسی در شبه قاره به شمار می رود.^{۱۷}

مولوی محبوب عالم سوهاولی از زمره شاعران و ادیبان برجسته قرن سیزدهم هجری قمری در قلمرو زبان فارسی محسوب می شود. شعر او، به عنوان نمونه ای ممتاز از آثار آن عصر، نمایانگر ذوق سرشار، قدرت بیان و تسلط او بر شیوه های گوناگون سخن پردازی است. سبک نگارش او، ساده، روان، بی تکلف و در عین حال عمیق و فکری است؛ که این امر خود، نشان از بلوغ فکری و مهارت هنری او دارد. وی نه تنها در قالب مثنوی بلکه در دیگر انواع شعری نیز طبع آزمایی کرده و توفیق چشمگیری به دست آورده است.

مثنوی من و سلوی با زبانی ساده، ولی فاخر و دلنشین سروده شده است. برخلاف بسیاری از آثار هم عصر خود که متکلف، پیچیده و مملو از تصنعات زبانی هستند، شعر سوهاولی از این عناصر به دور است. با وجود بهره گیری گسترده از آیات قرآن، احادیث نبوی، اشارات تاریخی، تلمیحات ادبی و صنعت های شعری، شاعر توانسته است مضامین بلند عرفانی و حقایق لطیف تصوف را با زبانی روشن و سهل فهم بیان کند؛ به گونه ای که خواننده بدون نیاز به تأویل و تعبیر دشوار، به عمق مفاهیم ارائه شده راه می یابد. همین سادگی در بیان، از برجسته ترین ویژگی های سبک شعری محبوب عالم سوهاولی به شمار می آید.

محبوب عالم سوهاولی نه تنها به عنوان شاعری توانا، بلکه به عنوان ادیبی نکته سنج و سخن سنج شناخته می شود. آثار او گواهی روشن بر اشراف کامل وی بر سنت شعر کلاسیک فارسی و آشنایی دقیق با آثار و اسالیب استادان بزرگ ادب فارسی همچون سنایی، عطار و مولوی است. او در قالب مثنوی مهارتی تام دارد، چنان که به روشنی پیداست بیشترین تأثیر فکری و سبکی او از مولانا جلال

الدین محمد بلخی رومی سرچشمه گرفته است. با این همه، شعر او تقلیدی صرف از آثار پیشینیان نیست، بلکه تلفیقی است بدیع از سنن عرفانی ایران با سادگی بیان و سلاست سبک شبه قاره‌ای. زبان شعر سوهوای، روان، موزون و آراسته به مفاهیم والا و اندیشه‌های متعالی عرفانی است. سخن او از تکلف و تصنع خالی‌ست و همین امر آن را از آثار بسیاری از شاعران سبک عراقی متمایز می‌سازد. سلاست کلام و صفای باطن در اشعار او به گونه‌ای است که در میان تولیدات ادبی آن دوره، کم نظیر بلکه بی نظیر می‌نماید. این خصایص باعث شده تا مثنوی من و سلوی نه تنها اثری ادبی، بلکه گنجینه‌ای عرفانی و آموزشی برای طالبان حقیقت و سالکان راه طریقت به شمار آید.

مولوی محبوب عالم سوهوای شخصیتی صوفی‌مشرّب و اهل دل بود که از آغازین سال های عمر، گرایشی عمیق و جدی به ساحت عرفان و محافل عارفان داشت. وی در محیطی آکنده از علم، معرفت، ادب و ذوق شعری رشد یافت و همین فضای فکری و معنوی، زمینه‌ساز بالندگی اندیشه‌های لطیف و روح‌نواز عرفانی در جان و قلم او گردید. آموزه‌های بنیادین تصوف، همچون توکل، استغنا، تقوا، صبر، فقر، قضا و قدر، قناعت، کشف، معرفت، عشق الهی، ارادت به مرشد، خدمت به خلق، رعایت حال دیگران، طریقت و عبادت، از جمله مضامینی هستند که به‌وفور در ابیات مثنوی وی بازتاب یافته‌اند و پرده از احوالات باطنی و تجارب روحانی شاعر برمی‌دارند.

شعر مثنوی من و سلوی از ویژگی‌هایی ممتاز چون روانی، سادگی، و شیرینی طبیعی برخوردار است. سوهوای از پیچیدگی‌های زبانی، تکلفات بی‌مورد و بازی‌های لفظی پرهیز دارد و با زبانی صریح و بی‌پیرایه، پیام‌های بلند عرفانی و اخلاقی خود را به مخاطب منتقل می‌سازد. او با بهره‌گیری از محور کوتاه، ساده و اوزان متنوع، فضایی موزون، دلنشین و گوش‌نواز پدید آورده است. این ویژگی، به ویژه در بخش‌هایی از مثنوی که به بیان معارف دینی و مباحث عرفانی اختصاص دارد، بیش از پیش به چشم می‌خورد و نمایانگر ذوق لطیف و اندیشه بلند شاعر است.

مثنوی سوهوای از حیث مضمون، اثری متنوع و جامع است که دامنه گسترده‌ای از موضوعات را در بر می‌گیرد. برجسته‌ترین محتوای آن به آموزه‌های دینی و مذهبی، مباحث اخلاقی و حکمی، تأملات عاشقانه و تجلیات عرفانی اختصاص دارد. در این میان، عشق به ذات الهی و شوق به وصال محبوب حقیقی، رکن اصلی ساختار مثنوی را تشکیل می‌دهد. افزون بر آن، شاعر علاقه و ارادتی وافر به سرودن حمد خداوند متعال و مدح حضرت خاتم‌الانبیاء محمد مصطفی (ص) دارد که در ابیات متعددی با شور و اخلاص بیان شده و نشان‌دهنده عمق باور دینی و عاطفه روحانی اوست.

در مجموع، مثنوی من و سلوی اثری است که نه تنها از نظر ادبی و هنری واجد ارزش فراوان است، بلکه از حیث عرفانی و معنوی نیز گنجینه‌ای پرمایه به شمار می‌آید. این اثر، تبلوری‌ست از روحیه زاهدانه، بینش عارفانه و زبان لطیف شاعر که در کالبدی ساده و بی‌تکلف، حقیقتی ژرف و جاودانه را عرضه می‌کند.

محبوب عالم سوهوای از شاعران و ادیبان برجسته و صاحب نام فارسی‌زبان در قرن سیزدهم هجری قمری به‌شمار می‌آید. اشعار او از زمره‌ی گرانمایه‌ترین نمونه‌های ادبی آن عصر است که با بیانی ساده، تازه، و در عین حال سرشار از لطافت و معنا، جلوه‌ای ممتاز در میان آثار هم‌روزگاران خویش یافته است. زبان روان، صمیمی و بی‌تکلف او در کنار اندیشه‌های ژرف و بینش عرفانی، بازتاب‌دهنده‌ی مهارت بی‌نظیر وی در فنون سخن‌سرایی است. محبوب عالم در تمام قالب‌های ادبی طبع‌آزمایی کرده و در هر یک از آن‌ها به موفقیت‌هایی چشم‌گیر و قابل توجه دست یافته است، اما

بیشترین درخشش او در قالب مثنوی نمودار شده که توانایی زبانی و هنری وی را به روشنی آشکار می‌سازد.

همچون دیگر شاعران بزرگ ادب فارسی، محبوبِ عالم نیز به بهره‌گیری از صنایع بدیعی و فنون بیانی دلبستگی خاصی داشته و در اشعار خود، به‌ویژه در مثنوی من و سلوی، از آرایه‌های گوناگون به‌شایستگی بهره برده است. در میان این آرایه‌ها می‌توان به تشبیه‌های بکر، استعاره‌های بدیع، کنایات دقیق و مجازات هنرمندانه اشاره کرد که در ساختار بیانی شعر وی نقش بسزایی دارند و موجب تعمیق معنا و زیبایی ظاهری آن می‌گردند.

از جمله فنونی که در شعر محبوبِ عالم نمود ویژه‌ای یافته، صنعت مَلَمَع‌گویی است؛ صنعتی که طی قرون متمادی، در میان شاعران فارسی‌زبان – به‌ویژه در سبک‌های خراسانی و عراقی – رواج فراوان داشته است. مَلَمَع‌گویی، به‌کارگیری زبان‌های گوناگون در یک شعر است که عموماً به تلفیق فارسی با عربی انجام می‌گیرد. این شیوه‌ی خاص، از توانایی زبانی و تسلط شاعر بر دو زبان حکایت دارد. شاعران بزرگی چون سعدی و حافظ در به‌کارگیری این صنعت شهرتی بسزا دارند و شعرشان جلوه‌ای از مهارت در تلفیق زبان‌ها را به نمایش می‌گذارد.

در مثنوی من و سلوی نیز نمونه‌هایی از این صنعت به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده‌ی تسلط محبوبِ عالم بر زبان عربی و دلبستگی او به شیوه‌های سنتی و پرمایه‌ی شعر کلاسیک فارسی است. بهره‌گیری از مَلَمَع‌گویی در کنار صنایع دیگر، شعر وی را از حیث فنی غنی و از نظر معنایی پُرظرفیت ساخته است؛ تا آنجا که می‌توان این مثنوی را در شمار نمونه‌های برجسته‌ی ترکیب ذوق عرفانی و مهارت فنی در ادب منظوم فارسی دانست.

مثنوی سوهوای دارای مطالب متنوعی است. مهمترین موضوعات وی مطالب دینی و مذهبی، اخلاقی و حکمی، عشقی و عرفانی و جز آن است. سوهوای به سرودن حمد خداوند معتال و نعت پیغامبر اکرم علاقه شدیدی دارد.

تمحیداً برای خداوند بزرگ و برتر:

أَنْتَ جَامِعُ كُلِّ وَصْفٍ يَا كَرِيمُ^{۱۸}
از تو مارا قوت ادراکها
از تو ما را می‌رسد هر دم مدد
از تو بلبل ناله‌ها برداشته
از تو ما را رهنمائی می‌رسد

عَزَّ اسْمُكَ جَلَّ شَأْنُكَ يَا قَدِيمُ
از تو مارا خوبی اخلاقها
رشته مادرید تست ای صمد
از تو گل سر بر هوا افراشته
از تو ما را مصطفایی می‌رسد^{۱۹}

نعت پیغمبر اکرم:

خواجه ما بادشاه انبیاء
جَعَلَكَ اللَّهُ سَيِّدًا لِلْمُرْسَلِينَ
أَيُّ وَجُودَتِ بَاعِثِ إِيجَادِ مَا
ای وجودت کان عرفان خدا
ای وجودت شمع جمع انبیاء

رهبرِ عالم تویی یا مصطفی
أَيُّ وَجُودَتِ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ
شاید شَانِ تَوَلَّوْا لَكَ لَمَّا
ای وجودت جان احسان خدا^{۲۰}
ای وجودت نور صدرِ اولیاء^{۲۱}

محبوب عالم سوهاوی از شاعران و ادیبان برجسته فارسی زبان در قرن سیزدهم هجری قمری است. شعر او از ارزنده ترین نمونه های ادبی آن دوره و شیوه ساده و تازه بیان او محصول عالی هنر سخنوری در آن دوره است. او در تمام انواع طبع آزمائی کرد و موفقیت و چشمگیری کسب نموده. محبوب عالم سوهاوی نیز چون همه شاعران به صنایع و بدایع علاقه ویژه ای دارد و در شعرش از بیشتر آنها استفاده کرده است. صنعتهایی از قبیل تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و غیره در مثنوی محبوب عالم فراوان به چشم می خورد.

ملّع گویی:

صنعت ملّع هم یکی از آرایه های بسیار معروف شعر فارسی بوده است، و هم اکنون مورد استفاده برخی از سخن سرایان قرار می گیرد. ملّع گویی در میان شاعران سبک خراسانی و عراقی کاربرد بیشتری یافت، و سعدی و حافظ در استفاده از این صنعت خیلی معروف اند. در مثنوی سوهاوی نمونه های ملّع گویی نیز به نظر می رسد.

غیر ما علّمَنّا اَنْتَ العَلِیْم	شد همه آنها بلا علم کلیم
	گر قرآن نازل شدی از ربّ ما ^{۲۲}
بر جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ مُتَصَدَّعًا	اَیْهَا النَّاسُ اتَّقُوا مِنْ رَبِّكُمْ
	قُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَأَبْلِیْكُمْ ز نَارِ ^{۲۳}
پای از مامور حق بیرون میار ^{۲۴}	وَاذْكُرُوا الْمَثْنَىٰ آ لَتِیْ عَنْ ذَنْبِكُمْ

در مثنوی سوهاوی اشاراتی به احادیث مبارکه پیام اکرم فراوان به چشم می خورد، به عنوان مثال:

احادیث مبارکه:

إِنَّ مَنْ طَلَبَ الثَّوَابَ الْآخِرَوِی	قَالَ مَوْلَانَا وَسَيِّدُنَا النَّبِی
كَانَتْ الدُّنْيَا لَهُ فِی طَلِبِهِ	جَعَلَهُ اللهُ الْغَنَاءِ لِقَلْبِهِ
طَاوِیًا كَشَحًا مَعَارِجَ أُخْرَوِی	ثُمَّ مَنْ یَطْلُبُ مَرَاتِبَ دُنْیَوِی
كَانَ طَالِبُهَا السَّرِیْعَ قَفَآئِ هَا ^{۲۵}	جَعَلَهُ اللهُ الْحَرِیصَ هَوَآئِ هَا
یَوْمَ كَانَ الْأَغْنِیَاءَ عَاجِزِیْنَ	قَالَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ كُلَّ حِیْنِ
خَمْسَ مِائَةِ الْعَامِ فِرْدَوْسِ الْعِلَآءِ	یَدْخُلُ الْفُقَرَاءَ قَبْلَ الْأَغْنِیَاءِ
أَحَدُكُمْ یَمْشِیْ عَلَى الْمَآئِ الْأَجَلِ	ثُمَّ قَدْ سَنَلْ صَحَابَتَهُ بِهِلْ
صَاحِبِ الدُّنْيَا كَذَا فِی جَمْعِ مَالِ	لَمْ یَبِلْ الْقَدَمَ قَالُوا لَا ، فَقَالَ
سَالِمٍ مِنْ دُنْيِهَا بَلْ یُنْعِمِ ^{۲۶}	لَیْسَ أَنْ یُسَلَّمَ مِنَ الذَّنْبِ الْقَدَمَ

نتیجه گیری:

با توجه به مطالب پیش گفته، به روشنی می توان نتیجه گرفت که محبوب عالم سوهاوی نه تنها از شاعران برجسته ی روزگار خویش بود، بلکه در زمره ی عارفان بلند مرتبه ای قرار داشت که با تأثیرپذیری از سنت عرفانی پیشینیان چون حکیم سنایی غزنوی، شیخ فریدالدین عطار و مولانا جلال الدین رومی، به بیان مضامین عرفانی و الهی در قالب شعر پرداخت. وی در امتداد این جریان فکری، تلاش نمود تا مفاهیم بلند عرفان اسلامی را از طریق زبان شعر به شیوه ای دلنشین و مؤثر به مخاطبان خود منتقل کند.

حواشی

- ۱- بیاض، فخرالدین خواجه، ۱۳۲۴ق، ص ۱۰
- ۲- سلسبیل، ۱۹۶۷م، ص ۹
- ۳- مکتوبات محبوبیه، ۱۳۰۷ق، ص ۱۵
- ۴- انوار مرتضوی، ۱۳۹۴ق، ص ۵۴
- ۵- تاریخ مشایخ نقشبند، ۲۰۰۰م، ص ۲۲۱
- ۶- تفسیر سورة الفجر، ۲۰۰۴م، ص ۳۴
- ۷- رسائل مرتضویه، ۲۰۱۲م، ص ۲۲
- ۸- تذکر اعلیٰ حضرت، ۲۰۰۸م، ص ۷۸
- ۹- انقلاب الحقیقت، ۲۰۰۶م، ص ۲۰۱
- ۱۰- نور ہدایت، (قلمی)، ص ۲۳
- ۱۱- شمس الضحیٰ شرح بدرج الدجی، ۲۰۱۳م، ص ۵۵
- ۱۲- بیاض، عبداللطیف، (قلمی)، ص ۳
- ۱۳- همو، همانجا
- ۱۴- گلدستہ نصیریہ، نسخہ ی خطی، ص ۱۶
- ۱۵- تفسیر سورة الفجر، ۲۰۰۶م، ص ۳۴
- ۱۶- ہر چہ گویم عشق را شرح و بیان
چون بہ عشق آیم، خجل باشم از آن ۱۶
(مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول، بہ کوشش نکلسون، ص ۲)
- ۱۷- من و سلوی، ۱۳۱۴ق، ص ۲
- ۱۸- همو، ص ۳
- ۱۹- همو، ص ۴
- ۲۰- همو، ص ۵
- ۲۱- همو، ص ۶
- ۲۲- همو، ص ۹
- ۲۳- همو، ص ۱۹
- ۲۴- همو، همانجا
- ۲۵- همو، ص ۴۴
- ۲۶- همو، ص ۴۷

کتاب شناسی

- بکھروی، عبدالرسول، (۱۳۹۴ق)، انوار مرتضوی، چاپ ۲، مکتبہ دارالعلوم عطائیه، نلی، خوشاب
- بیربلوی، صاحبزادہ، محمد عمر، (۲۰۰۶م)، انقلاب الحقیقت، چاپ ۲، ادارہ تصوف، لاہور
- بیربلوی، صاحبزادہ، محمد عمر، (۲۰۰۸م)، تذکرہ اعلیٰ حضرت، ادارہ تصوف، لاہور
- بیربلوی، صاحبزادہ، محمد نصیر الدین، (۲۰۰۶م)، گلدستہ نصیریہ در مناقب فخریہ، نسخہ خطی
- بیربلوی، فخرالدین، خواجه، (۱۳۲۴ق)، بیاض، نسخہ خطی
- سالک، محمد طفیل، (۲۰۱۲م)، رسائل مرتضویہ، مکتبہ شمس و قمر، لاہور
- سوہاوی، عبدالطیف، قاضی، بیاض، نسخہ خطی
- سوہاوی، عبدالطیف، قاضی، (۱۹۷۶م)، مجلہ سلسبیل، مقالہ، ادارہ تصوف، لاہور
- سوہاوی، محبوب عالم، (۱۳۰۷ق)، مکتوبات محبوبیہ، نگارش، حبیب اللہ، سوہاوی، نسخہ خطی
- سوہاوی، محبوب عالم، (۱۳۱۴ھق)، مثنوی من و سلوی، نسخہ خطی
- سوہاوی، محبوب عالم، (۲۰۰۶م)، تفسیر سورة الفجر، مقالہ: طاہرہ، قرۃ العین، پایان نامہ دورہ فوق لیسانس عربی، دانشگاه پنجاب، لاہور
- عبدالرسول، صاحبزادہ، (۲۰۰۰م)، تاریخ مشائخ نقشبندیہ، مکتبہ زاویہ، لاہور
- غلام مرتضیٰ، خواجه، (۲۰۱۳م)، شمس الضحیٰ شرح بدر الدجی، مقالہ: نظامی، محمد اکرم، پایان نامہ دورہ دکتوری عربی، دانشگاه پنجاب، لاہور
- نور ہدایت، سوہاوی، محبوب عالم، نسخہ خطی

